

تهدیدهای جدی

نوآم چامسکی

توضیح مترجم: متن زیر برگردان مقاله‌ایی از نوآم چامسکی می‌باشد که در روزنامه "مبارزه طبقاتی" به چاپ رسید. پرنیان

در این لحظات غم‌انگیز ما کاری برای توقف این تاخت و تاز که اینک در جریان است، نمی‌توانیم انجام دهیم، اما این بدان معنی نیست که کار کسانی که برای عدالت، آزادی و حقوق بشر مبارزه می‌کنند، پایان گرفته است. اتفاقاً برعکس.

این وظایف اکنون، صرف‌نظر از این که نتایج این حمله چه خواهد بود، ضروری‌تر از هر وقت دیگر است. و دقیقاً همین نتایج هستند که هیچ کس نمی‌تواند هیچ حدس و گمانی درباره آن داشته باشد. نه پنتاگون، نه سازمان سیا و نه هیچ‌کس دیگر. احتمالات این عمل متغیر است. از فاجعه انسانی گرفته، که سازمان‌های امدادی تاکنون در مورد آن هشدار داده‌اند. تا نتایج نسبتاً خوش‌خیم. حتی اگر یک تار مو نیز از سر هیچ انسانی کم نشود، هیچ چیز نمی‌تواند (ابعاد) این جنایت را کم‌رنگ کند. جنایتی که برپایه این آمادگی قرار دارد که مردم درمانده را در معرض خطری وحشتناک برای رسیدن به هدف ننگین خود قرار دهد.

وظایف بلادرنگ

وقتی درباره نتایج صحبت می‌کنیم، زمان زیادی طول خواهد کشید تا این که بتوانیم از آن جمع بندی‌ای داشته باشیم. یکی از وظایف بلادرنگ، پاسخ به نیاز قربانیان است، نه فقط قربانیان این جنگ، بلکه هم‌چنین قربانیان سیاست درنده‌خوی و مخرب محاصره اقتصادی واشنگتن در عرض ده سال اخیر. این محاصره اقتصادی جامعه غیرنظامی عراق را ویران کرده، حاکم ستمگر را تقویت کرده و مردم را وادار کرده است که به او برای بقاء خود اعتماد کنند.

همان‌طور که سال‌ها گفته شده است؛ محاصره اقتصادی این امید را که با صدام همان خواهد رفت که با ظالمان آدمکش رفته، ظالمانی که کمتر از او مخوف نبوده‌اند، ضعیف کرده است. و این شامل گالری‌ای از تبهکاران با جنایات‌های وحشتناک دیگری است که از طرف همان‌هایی حمایت می‌شدند که اینک در واشنگتن قدرت دارند. در بسیاری از مواقع حمایت از آن‌ها تا آخرین لحظه‌ی رهبری خونین آن‌ها ادامه یافت. چائوشسکو - فقط برای این‌که نمونه‌ای آشکار و مشخص را نام ببرم.

رعایت نجابت ابتدایی خسارات زیادی از آمریکا طلب می‌کرد، در غیاب چنین شرم و حیایی،

حداقل می‌بایست یک جریان کمک رسانی را برای عراقی‌ها درست شود. چنان که عراقی‌ها بتوانند آن چیزی که ناپود شده است را دوباره آن‌گونه که خود می‌خواهند بنا کنند. نه آن‌طور که در واشنگتن و کراوفورد (Crawford) به آن‌ها دیکته می‌کنند. انسان‌هایی که یقین دارند که قدرت در تفنگ پر است.

اپوزیسیون تاریخی

این گروه از وظایف بسیار بیشتر اساسی‌اند و چشم‌اندازی بلند مدت دارند. مخالفت علیه یورش به عراق کاملاً از نظر تاریخی بی‌نظیر است. به‌این دلیل بوش مجبور بود که دو دوستش (تونی بلر و آزنا) را در یک پایگاه نظامی در یک جزیره ملاقات کند. جایی که خالی از مردم بود. مقاومت بر روی یورش به عراق متمرکز شده‌است. اما نگرانی آن‌ها عمیق‌تر است.

وحشت از قدرت ایالات متحده آمریکا رو به افزایش است. برای این‌که این قدرت - احتمالاً از طرف اکثریت بزرگی - به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید علیه صلح در جهان درک می‌شود. با تکنولوژی‌ای که مدام مرگ‌آورتر و نابودکننده‌تر می‌شود و در دسترس است. هر تهدید علیه صلح به معنی تهدید علیه ادامه زندگی بشریت است. وحشت از ایالات متحده آمریکا فقط بر اساس این یورش نیست. بلکه بر زمینه این یورش است: تصمیمی آشکار و اعلام‌شده مبنی بر رهبری جهان با زور اسلحه. از این جنبه که قدرت ایالات متحده آمریکا برتر است. و ضمانتی در این باره که نقش فائده آن‌ها هرگز مورد چالش قرار نمی‌گیرد.

جنگ‌های پیشگیرانه هر وقت برایشان مناسب است انجام می‌گیرد. این جنگ‌ها باید جنگ‌های پیشگیرانه باشند نه چیزی که مانع جنگ می‌گردد. و صرف نظر از اینکه چه چیزی می‌تواند جنگی مانع‌کننده را عادلانه جلوه دهد ولی شامل این مقوله بسیار ویژه، یعنی جنگ پیشگیرانه نمی‌شود: استفاده از نیروی نظامی برای از بین بردن تهدیدی خیالی یا ساختگی.

هدف آشکار و اعلام شده، عبارت است از ممانعت از چالشگری با قدرت، موقعیت و پرستیژ آمریکا. چنین چالشی، اکنون یا در آینده، یا هر علامتی به چالشگری که ممکن است ایجاد شود. با استفاده از قدرت مقاومت ناپذیر از طرف حاکمان کشوری که ظاهراً بیش از کشورهای دیگر جهان، در کل برای به‌دست آوردن مدرن‌ترین ابزار خشونت پول خرج می‌کند. برخورد خواهد شد. این کشور بر روی زمین‌های جدید و خطرناکی قدم برمی‌دارد. علی‌رغم اعتراض‌های یکصدای مخالفین در سراسر جهان از جمله در ارتباط با تکمیل سلاح مرگ‌آور در فضا.

سؤالات عمیق

قابل توجه است که نقل قولی که در بالا آوردم نه از طرف دیک چنی است نه دونالد رومسفلد یا افراطی‌های دیگر که در قدرت نشسته‌اند. نه. کلمات متعلق به سیاستمدار محترمی به‌نام دین آچسون (Dean Acheson) در ۴۰ سال پیش است. وقتی که او مشاور ارشد دستگاه اداری کندی بود. آچسون اعمال ایالات متحده آمریکا را در قبال کوبا عادلانه جلوه می‌داد. همان‌طور که می‌دانید لشکر کشتی ترور بین‌المللی برای تعویض یک رژیم، جهان را به طرف پرتگاه جنگ اتمی سوق داده بود.

به همین شکل او به "جامعه آمریکایی قوانین بین‌المللی" (American Society of International Law) آموخت که هیچ سؤال حقوقی نمی‌تواند برای آمریکا ایجاد شود موقعی که ایالات متحده

آمریکا به چالش در مورد "قدرت، موقعیت و پرستیژ" کشور پاسخ می‌دهد - به‌ویژه در قبال حمله تروریستی و جنگ اقتصادی بر علیه کوبا. من این را مطرح می‌کنم برای یادآوری این‌که این سؤالات کاملاً ریشه‌ایی هستند. دستگاه اداری امروز در منتهی‌الیه راست از نظر طیف سیاسی قرار دارد، و ماجراجویی و سیرت خشن این دستگاه به‌طور غیرمتعارف خطرناک است.

اما این طیف خیلی وسیع نیست، و اگر این سؤالات عمیق مطرح شوند، می‌توانیم مطمئن باشیم که نیروهای افراطی مافوق ارتجاعی دیگر، به کنترل بر روی ابزارهای غیرقابل تصویری برای نابودی و ستمگری نایل خواهند شد.

لرزش‌ها

"جابه‌طلبی‌های امپراطوری" حاکمان فعلی که به صراحت نشان داده شده است در وجود انسان‌ها در سراسر جهان لرزش انداخته است. این شامل جریان اصلی مستقر در خانه هم است. در جاهای دیگر، واکنش‌ها در بین قربانیان سنتی طبیعتاً خیلی بیشتر با ترس بوده است. آن‌ها قضیه را، بر اساس تجارب دردآور، خیلی خوب می‌شناسند. آن‌ها به‌اندازه کافی از آن در طول قرن‌هایی که به آن "چکش تمدن" نام گذارده‌اند، سرکوب شده‌اند، شنیده‌اند. فقط چند روز پیش رهبر "جنبش عدم تعهد" که شامل رژیم‌های اکثریت ساکنان جهان است، دستگاه اداری بوش را مهاجم‌تر از هیتلر توصیف کرد. این رهبر اتفاقاً به‌طور تصافی خیلی طرفدار آمریکا است و در وسط پروژه‌های اقتصادی بین‌المللی واشنگتن قرار دارد. در این‌که این شخص از طرف تعداد زیادی از قربانیان سنتی حرف می‌زند مقداری تردیدی وجود دارد. اما الان او از طرف تعداد زیادی از ستمگران سنتی آن‌ها حرف می‌زند. اینجا ما می‌توانیم به راحتی ادامه بدهیم، و این مهم است که در مورد این سؤالات با حساسیت و صادقانه فکر کنیم.

دو واکنش

حتی قبل از این‌که دستگاه اداری بوش ترور را به سرعت افزایش دهد، دستگاه اطلاعاتی و متخصصین سیاست بین‌المللی به همه کسانی که می‌خواستند گوش دهند هشدار دادند: این سیاستی که اینک در واشنگتن بکار برده می‌شود احتمالاً به افزایش ترور و گسترش سلاح‌های کشتار دسته جمعی می‌انجامد، و این عمل یا برای گرفتن انتقام است یا برای بازداشتن.

واشنگتن به دو شیوه می‌تواند به تهدیداتی که به‌عنوان نتیجه‌ای از اعمال و اعلان متحیرکننده خود به‌وجود می‌آید واکنش نشان دهد. شیوه اول کم کردن تهدیدات با اندکی توجه در جهت شکایت کنندگان، با گفتن بلی برای این‌که عضوی متمدن در جامعه جهانی بماند - با کمی احترام برای نظم جهانی و مؤسسات‌شان.

شیوه دوم ساختن هر چه مؤثرتر ابزار نابودکننده و تسلط است، چنان که هر تهدیدی، بیرونی باشد یا نه، می‌تواند له شود. به‌این شکل به چالش‌گری‌های جدید و بزرگ‌تری دامن زده می‌شود. این شکل از واکنش خطر جدی برای ساکنان ایالات متحده آمریکا و بقیه دنیا در بر دارد. این شکل، زیاد غیرمحمتمل نیست، به پاکسازی هستی ما می‌انجامد.

تهدیدات جدی

برای این‌که مثالی را نام ببرم، فقط چند ماه قبل از سخنرانی آپسون، از جنگ اتمی مرگبار به شکل معجزه‌آمیزی در گذشته جلوگیری شده است و باید آن‌را امروز در قسمت فعال حافظه خود داشته باشیم. تهدیدات جدی هستند و اوج می‌گیرند. جهان همه دلایل ممکن را برای این‌که با چشم باز وقایعی را که در واشنگتن می‌گذرد با ترس و لرز دنبال کند، دارد. آن‌هایی که موقعیت بهتر برای آرام کردن این ترس را دارند و می‌توانند راه را برای یک آینده روشن و پویا رهبری کنند، ساکنان ایالات متحده آمریکا هستند. آن‌ها می‌توانند آینده را شکل دهند. این نکته از جمله نگرانی‌های عمیق است که به‌نظرم اکنون می‌بایستی مهم باشد هنگامی که وقایع به شکل غیرقابل پیشگویی آشکار می‌شود.

ترسناک‌ترین ارتش نظامی در تاریخ بشریت برای حمله به دشمنی بی‌دفاع، از یک رهبری سیاسی که برای خود یک سوء پیشینه وحشتناک از ویرانی و بربریت از موقعی که در بیش از ۲۰ سال پیش به قدرت رسید فراهم کرده‌است، رها گذاشته می‌شود.

Dialog

Postamt 1 / Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

Email: dialogt@web.de

Internet: <http://www.dialogt.net>